

سرشناسه	نعمتی پیر علی، دل‌آرا، ۱۳۴۳ -
عنوان قراردادی	نهج‌البلاغه برگزیده شرح
عنوان و نام پدیدآور	حیات‌بالنده در نهج‌البلاغه (تحلیل همبستگی پلنکرد مرگ و بالندگی زندگی) / دل‌آرا نعمتی پیر علی، اکرم فاضلی بیلابانی.
مشخصات نشر	تهران: ندای ملکوت، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	۲۴۶ ص.
شابک	978-600-6993-39-3: ۷۵۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	فیا
موضوع	علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج‌البلاغه - مرگ
موضوع	علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج‌البلاغه - انسان
موضوع	علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج‌البلاغه - دنیا
موضوع	علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج‌البلاغه - نقد و تفسیر
شناسه افزوده	فاضلی بیلابانی، اکرم
شناسه افزوده	علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج‌البلاغه. شرح
رده بندی کنگره	۱۳۹۲ ۶۵۶ / ن ۴۲۳ / BP۳۸
رده بندی دیویی	۲۹۷/۹۵۱۵
شماره کتابشناسی ملی	۳۳۹۷۶۰۴

حیات بالنده در نهج البلاغه

(تحلیل همبستگی یادکرد مرک و بالندگی زندگی)

دکتر دل آرا نعمتی بیرعلی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

— اکرم فاضلی بیابانکی



حیات بالنده در نهج البلاغه

(تحلیل همبستگی یاد کرد مرگ و بالندگی زندگی)

دستوردا آ. نعمتی پیرعلی - اکرم فاضلی بیابانکی

ناشر: انتشارات ندای ملکوت

طراح جلد و صفحه آرا: فاطمه هادی

قطع: رقعی

نوبت چاپ: اول / زمستان ۹۲

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

بها: ۷۵۰۰ تومان

شابک: ۳-۳۹-۶۹۹۳-۶۰۰-۹۷۸

جميع حقوق برای ناشر محفوظ است

مراکز پخش:

تهران - م هفت تیر - خ مفتاح جنوبی - خ ورکش - پ ۷ تلفن: ۰۹۳۶۶۸۴۸۰۵۶

قم - شهرک پردیسان - مجتمع آیت الله سیستانی تلفن: ۰۲۵-۳۸۰۹۴۰۳

مشهد - بلوار مصلی تلفن: ۰۵۱۱-۳۶۸۹۱۲۲

فهرست مطالب

۹	مقدمه
	فصل اول - انسان نامی امیرالمؤمنین علیه السلام در پنج البلاغه / ۱۳
۱۶	۱- آفرینش انسان
۲۲	۲- فطرت
۲۵	۳- نفس و مختصات آن
۲۵	الف - تجرّد
۲۸	ب - خلود و جاودانگی
۳۱	ج - کمال پذیری
۳۴	د - ارتباط با بدن
۳۶	۴- عوامل رشد انسان در بیان امیرالمؤمنین علیه السلام
۳۶	الف - خدا باوری
۳۶	ب - معرفت
۳۷	ج - عبادت
۳۹	د - خودشناسی
۳۹	هـ - خودسازی

- ۴۱ و- خردورزی
- ۴۲ ز- خدمت
- ۴۲ ۵- موانع رشد انسان در بیان امیرالمؤمنین (ع)
- ۴۳ الف- نفس پرستی و انحراف از فطرت
- ۴۴ ب- غفلت و آلودگی به گناه
- ۴۵ ج- آلودگی به صفات ناپسند
- ۴۶ - بخل
- ۴۶ - حسد
- ۴۶ - دروغ‌گویی
- ۴۷ - تکبر و خود برترینی
- ۴۸ - مانع ورزی
- ۴۸ - تنهایی پرستی
- ۴۹ ۶- هدف از آفرینش انسان در بیان امیرالمؤمنین (ع)

فصل دوم- زیاده پنج ابلاغه ۵۱

- ۵۳ ۱- دنیا در لغت و کاربرد قرآنی آن
- ۵۶ ۲- دنیا محل آزمون
- ۵۹ ۳- هدف از آفرینش دنیا
- ۶۱ ۴- هدف از آفرینش انسان در دنیا
- ۶۲ ۵- هدف انسان در دنیا

فصل سوم- حیات در پنج ابلاغه ۶۷

- ۶۸ ۱- حیات در لغت و کاربرد قرآنی آن
- ۷۲ ۲- مراتب حیات
- ۷۲ الف- حیات مادی

- ۸۳ ب- حیات حقیقی
- ۸۸ ج- حیات مثالهانه (حیات طیه)
- ۹۵ ۳- آثار حیات طیه

فصل چهارم - مرگ و یادکردن در نج البلاغ ۱۰۱

- ۱۰۲ ۱- مفهوم مرگ
- ۱۰۵ ۲- مرگ در قرآن کریم
- ۱۰۹ ۳- وصف عرفانی مرگ
- ۱۱۳ ۴- روش مرگ المؤمنین در ترغیب مردم به یادکرد مرگ
- ۱۱۵ الف- بیان اصول بنیادین
- ۱۱۵ بیین مرگ
- ۱۱۶ - عمومیت مرگ
- ۱۱۸ - غنیمت شمرن عمر
- ۱۲۲ - ماهیت دنیا
- ۱۲۳ ب- استدلال
- ۱۲۳ - شرح حال گذشتگان
- ۱۳۰ - مقایسه دنیا و آخرت
- ۱۳۵ - وعد و وعید
- ۱۴۱ ج- ارشاد
- ۱۴۲ - موعظه
- ۱۴۶ - شرکت در تشییع جنازه و قبرستان
- ۱۵۳ - توصیف واقعیات
- ۱۵۳ - وصف حال محتضر
- ۱۵۸ - تجسم مرگ
- ۱۶۰ - توصیف حال مردگان
- ۱۶۲ ۵- آثار تربیتی یادکرد مرگ

۱۶۳	الف - درمان غفلت
۱۶۸	ب - مدیریت زمان
۱۷۶	ج - عدم توجه به زیور دنیا
۱۸۳	د - اهتمام بر زاد و توشه مناسب
۱۹۵	ه - شتاب در توبه
۲۰۳	و - ترک آرزوهای طولانی
۲۱۱	ز - درمان بخل
۲۱۳	ح - درمان تکبر
۲۱۵	ط - آمادگی برای مرگ
۲۲۲	ی - اشتیاق به مرگ
۲۲۲	شرق مرگ
۲۲۷	شمال دین
۲۳۰	شهادت می‌باشمین
۲۴۱	فهرست منابع فارسی
۲۴۴	فهرست منابع عربی
۲۴۶	پایان نامه و نرم افزار های قرآن

مقدمه

مرگ پدیده اسرارآمیز و شگفت انگیزی است که به طرق مختلف گریبان همه آفریدگان هستی، را می گیرد «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ»^۱، «هر آن کس که بر روی زمین است فناپذیر است»، «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ»^۲، «جز ذات او همه چیز فانی است» و رشته آرزوها را می گسلد و هر متحرکی را از حرکت مادی باز می دارد و بی شک هر نفسی مزه نیک یا بد آن را خواهد چشید «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ»^۳

در جهان هستی مرگ نیز مانند حیات، رازی از اسرار الهی است که شناخت حقیقت آن برای بشر مقدر نیست ولی براساس آیات الهی و رهنمودهای دینی معصومین، مرگ به منزله فنا و نابودی نبوده، بلکه مرحله ای از مراحل حیات انسان و آغازگر سیر در نشانه بالاتر حیات است که کیفیت آن مبتنی بر کیفیت حیات دنیایی انسان است.

به همین دلیل است که برخی مرگ را پلی به سوی سعادت و آزادی از قفس و زندان تن می دانند و به آن اشتیاق دارند و برخی از آن گریزان و بیمناکند زیرا آن را ویرانگر لذت های مادی و عامل جدایی از خوشیهای دنیوی خویش می بینند، بنابراین نحوه زیستن انسان در فرصت حیات

۱- الرحمن / ۲۶.

۲- القصص / ۸۸.

۳- العنکبوت / ۵۷.

دنیاپی دیدگاه او را نسبت به مرگ تعیین می کند.

اگر انسان همواره متوجه باشد حیاتی جاودان و ابدی دارد و بداند در روزی که خورشید تاریک می شود «إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ»^۴ و ستارگان بی فروغ می شوند، «وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ»^۵ و همه زمین در قبضه الهی و آسمانها پیچیده شده به دست خداوند است، «وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ»^۶ در اصل هستی او خللی پیش نمی آید، مسلماً مفهوم مرگ را که به منزله پل یا دروازه ای است برای عبور از یک مرحله زندگی، به مرحله کاملتر آن متوجه شده و به مسئولیت سنگین خود واقف می گردد.

انسان خردمند می داند که «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ»^۷، «هر کس در گرو دستاورد خویش است» و می داند که خدای عزوجل برای هر کاری نتیجه ای را مقرر فرموده است و می داند «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ، وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ»^۸، «پس هر که به اندازه ای ذره ای نیکی کند آن را می بیند و هر که به اندازه ای ذره ای بدی کند آن را می بیند.» بنابراین سعی می کند حیات خود را بیهوده تلف نکند و هیچ حرکتی را بدون هدف انجام ندهد. یک انسان خردمند که همواره وصول به هدف اعلای حیات را هدف خود قرار داده و دستیابی به سطح والای حیات را وجهه همت خود قرار داده، هرگز فریب آرزوهای زودگذر دنیوی را نمی خورد و غرق هوی و هوس زودگذر مادی نمی شود.

آن همه هشدار که در آیات شریفه قرآن کریم و در روایات معصومین علیهم السلام

۴- التکویر / ۱.

۵- التکویر / ۲.

۶- الزمر / ۶۷.

۷- المدهثر / ۳۸.

۸- الزلزله / ۸-۷.

و بخصوص در کلام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در مورد فرا رسیدن مرگ مطرح شده تنها برای آگاهی دادن مردم به حتمی بودن مرگ و عمومی بودن آن نیست زیرا این مسأله توضیح و اشکالات است بلکه منظور از آن آگاه کردن انسان به ضرورت دریافت حقیقت حیات و فلسفه زندگی است تا در اثر نادانی خود و غفلت و گناه، سرنوشت ابدی خود را ظلمانی و تاریک نسازد. و دلیل این ادعا همه آیات الهی و رهنمودهای معصومین (علیهم السلام) و عبارات نهج البلاغه است که لزوم اصلاح زندگی را در پی یادکرد از مرگ مطرح کرده‌اند.

بی‌شک مرگ اندیشی به معنای ترک دنیا و رهبانیت و بی‌اعتنایی به زندگی مادی نیست بلکه به معنی ترک دلبستگی و وابستگی به نعمتهای دنیاست و به عبارت دیگر هدف از یادکرد مرگ این است که انسان دنیا را آن‌چنان که هست بشناسد و بر اثر پندارها و خیالات واهی و غفلت و غرور و هوی و هوس گمراه نگردد. زیرا انسان مرگ اندیش همواره متوجه است که آنچه پیش رو دارد بهشت یا جهنم است بنابراین برخورد لازم می‌داند برای رسیدن به بهشت جاوید و جلب رضای الهی و رسیدن به جوار حضرت حق و نجات از عذاب جهنم به حقیقت حیات دست یابد که آن چیزی جز اطاعت و فرمانبرداری از خداوند نیست. بنابراین هدف از ترغیب به یادکرد مرگ، دستیابی انسان به حیات طیبه است که در پرتو آن انسان به حقیقت، حلاوت حیات را در می‌یابد.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ اكْفِنَا طُولَ الْأَمَلِ، وَ قَصِّرْهُ عَنَّا بِصَدَقِ الْعَمَلِ... وَ انْصِبِ الْمَوْتَ بَيْنَ أَيْدِينَا نَضْبًا، وَ لَا تَجْعَلْ ذِكْرَنَا لَهُ غِبًا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا نَسْتَبِطِي مَعَهُ الْمَصِيرَ إِلَيْكَ، وَ نَحْرِصْ لَهُ عَلَيَّ وَشِكِ اللَّحَاقِ بِكَ حَتَّى يَكُونَ الْمَوْتُ مَأْنَسًا إِلَيْنَا الَّذِي

نَأْنَسُ بِهِ، وَ مَا لَفَنَّا الَّذِي نَشْتَأِقُ إِلَيْهِ، وَ حَامَمْنَا اللَّتِي نُحِبُّ الدُّنُوَ مِنْهَا
فَإِذَا أَوْزَدْتَهُ عَلَيْنَا وَ أَنْزَلْتَهُ بِنَا فَأَسْعِدْنَا بِهِ زَائِرًا، وَ أَنْسَنَا بِهِ قَادِمًا، وَ لَا
تُشَقِّنَا بِضِيَافَتِهِ، وَ لَا تُخْزِنَا بِزِيَارَتِهِ، وَ اجْعَلْهُ أَبَاً مِنْ أَبْوَابِ مَغْفِرَتِكَ،
وَ مِفْتَاحًا مِنْ مَفَاتِيحِ رَحْمَتِكَ أَمِتْنَا مُهْتَدِينَ غَيْرَ ضَالِّينَ، طَائِعِينَ
غَيْرَ مُسْتَكْرِهِينَ، تَائِبِينَ غَيْرَ عَاصِينَ وَ لَا مُصِرِّينَ، يَا ضَامِنَ جَزَاءِ
الْمُحْسِنِينَ، وَ مُسْتَصْلِحَ عَمَلِ الْمُفْسِدِينَ».

«خداوندا بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را از دلباختگی به
آرزوهای دور و دراز دنیایی باز دار و با عمل شایسته چنین آرزوهایی
را از ما کوتاه ساز، ... فرارسی مرگ را در برابر دیدگانمان جلوه گر نما و
یادش را همه گمراهان در راهگاه در نهادمان زنده بدار. خدایا، به ما توفیق
اعمال شایسته ای ده که رهبری به درگهت و بازگشت به آستانت را دیر
شماریم و برای شتاب به وصالت بی مشتاق باشیم؛ آن سان که به مرگ
دل بندیم و برایمان سرای الفتی باشد که شیدای سفر به سویش باشیم
و چون خویشاوندی اش پنداریم که دیدارش همی دوست داریم بار خدایا
آن گاه که مرگ ما را رساندی و بر ما فرود آوردی ما را به آمدن چنین
زائری خوش بخت و به ورود این میهمان آرام نمای و ما را در مهمانی اش
شوربخت مفرمای و به دیدارش شرمسار و تیره بخت ننمای. آن را برایمان
دری از درهای آمرزشت دار و کلیدی از کلیدهای گنج رحمت ساز.
خدایا مرگ ما را زمانی رسان که هدایت شده تو باشیم و گمراه نباشیم.
فرمان بردار تو باشیم و روی از درگهت نتابیم، توبه کار تو باشیم و بر گناه
هرگز اصرار نورزیم، ای که پاداش نیکوکاران را خود ضامن و اصلاح عمل
تبهکاران را همی خواهانی.